

Economic Freedom of Citizens in Jurisprudence, Iranian law and International Documents of Human Rights.

Ghasem entezari Farzagli¹, Ahmad Fadavi Bandeh Qaraei^{2*}, Seyyed Mohsen Jalali Shahri³

1 Ph.D. student Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran..

2 .Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.

3. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran..

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:51-68

Article history:

Received: 16 Mar 2023

Edition: 4 Apr 2023

Accepted: 24 May 2023

Published online: 23 Mar 2024

Keywords:

Voluntary Exchanges, Business License ,Economic Freedom ,Economic Justice.

Corresponding Author:

Ahmad Fadavi Bandeh Qaraei

Address:

Iran, Torbat Heydarieh, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh Branch, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Educational Department

Orchid Code:

0009-0007-3939-005X

Tel:

52294955-051

Email:

ahmadfadavi744@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Economic freedom is as important as political and social freedom because people have the right to to choose job and economic activity freely. This kind of freedom is formed based on legal structure and it guarantees people's income. The purpose of present study is to explain economic freedom in terms of jurisprudence,law and international human right documents.

Method and Materials: The research method is discriptive_ analytical and library sources have been used.

Results: According to the constitution and normal law, the economic freedom of citizen has a special place and the government is required to remove obstacles of citizen economic freedom. According to the jurisperidance, economic freedom of Citizens agrees with the general principles of the Islamic jurisprudence as far as it is far from jeopardy.Given the human rights considerations, economic freedom of citizens guarantees human rights.

Conclusion: In present study, the principles of text originality,honesty and trustworthiness has been observed.The findings indicate that the economic freedom of Citizens has been accepted in domestic laws , jurisprudence and international documents.

Cite this article as:

Entezari Farzagli G, Fadavi Bandeh Qaraei A, Jalali Shahri M. *Economic Freedom of Citizens in Jurisprudence, Iranian law and International Documents of Human Rights..* Economic Jurisprudence Studies. 2024.



آزادی اقتصادی شهروندان در فقه و حقوق ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

قاسم انتظاری فرزقی^۱، احمد فدوی بنده قرائی^۲، سید محسن جلالی شهری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: آزادی اقتصادی همانند آزادی سیاسی و اجتماعی درخور توجه است، زیرا افراد حق دارند که آزادی انتخاب شغل و فعالیت اقتصادی داشته باشند. این آزادی براساس ساختار قانونی شکل می‌گیرد و کسب درآمد افراد را تضمین می‌کند. هدف از این پژوهش تبیین آزادی اقتصادی از منظر فقه، قانون و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است.

مواد و روش‌ها: نگارش مقاله به صورت توصیفی تحلیلی بوده است که از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته‌ها: بر این امر دلالت دارد که آزادی اقتصادی شهروندان از نظر قوانین داخلی و فقه و اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد پذیرش قرار گرفته است.

نتیجه: از نظر قانون اساسی و قوانین عادی آزادی اقتصادی شهروندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و دولت ملزم به حذف موانع آزادی اقتصادی شهروندان است. بنا به فقه آزادی اقتصادی شهروندان موافق اصول عامه فقه اسلامی است تا جایی که به دور از غرر باشد. از نظر حقوق بشر نیز آزادی اقتصادی شهروندان، حقوق بشر را تضمین می‌کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۱-۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

واژگان کلیدی:

تبادلات داوطلبانه، مجوز کسب و کار، آزادی اقتصادی، عدالت اقتصادی.

نویسنده مسئول:

احمد فدوی بنده قرائی

آدرس پستی:

ایران، تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه، گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

52294955-051

کد ارکید:

0009-0007-3939-005X

پست الکترونیک:

ahmadfadavi744@gmail.com

۱. مقدمه

هرجا که شخص از محدوده‌ی خویش پا فراتر گذاشت و یا آزادی وی با مصلحت اجتماعی در تضاد بود ولی امر او را محدود می‌کند.

از این رو اسلام نه آزادی اقتصادی مطلق بلکه آزادی اقتصادی مقید را مورد پذیرش قرار داده است. در اسلام دایره معینی از آزادی برای افراد وجود دارد که در آن محدوده آزاد می‌باشند و ضرورتاً افراد نبایستی از قلمرو خود خارج شوند.

آزادی اقتصاد یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه یافتگی اقتصاد کشورهاست درجه آزادی اقتصاد کشورها بر اساس ۵ شاخص زیر تعیین می‌گردد.

۱- حجم و اندازه دولت

۲- ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت

۳- دسترسی به نقدینگی سالم

۴- آزادی تجارت خارجی

۵- قوانین مالی بازار، کار و تجارت

استدلال این است که قدرتهای بین‌المللی حق ندارند شهروندان خودشان یا اتباع دیگر کشورها را از مبادله داوطلبانه و حقوق مالکیتشان محروم کنند. این کار نقض یکی از بدیهی‌ترین اصول حقوق بشر یعنی آزادی انتخاب و آزادی مبادله است. طبق اصول بدیهی حقوق بشر هیچ کس حق ندارد دیگری را از حقوق مسلم خود محروم کند.

در همین راستا سؤالاتی مطرح می‌شود، آیا دیدگاه قوانین ایران و فقه و اسناد بین‌المللی، آزادی اقتصادی شهروندان را مورد پذیرش قرار داده است؟ در صورتیکه پاسخ به این سوال مثبت باشد، حدود پذیرش آزادی اقتصادی شهروندان در قوانین مذکور چگونه است؟

در بررسی مطالب موجود، موضوع آزادی اقتصادی شهروندان در قوانین داخلی، فقه و اسناد بین‌المللی حقوق بشری به صورت محدود مورد اشاره قرار گرفته است و پژوهشی که به صورت جامع در

آزادی اقتصادی شهروندان دارای تعابیر و تعاریف متعددی می‌باشد، غالباً در نگاه اول آزادی سیاسی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد در صورتیکه آزادی اقتصادی تضمین کننده حقوق بشر است.

منظور از آزادی اقتصادی عبارتست از آزادی مطلق اقتصادی؛ به عبارت دیگر راه را در برابر اشخاص باز گذاشتن در میادین گوناگون، مالکیت کار و کوشش، تولید و مصرف و یا به سخن بهتر مقصود از داشتن آزادی اقتصادی، برخورداری از حق اشتغال، انتخاب نوع شغل (هر کالا یا خدمتی که بخواهد تولید کند)، محل، مدت و زمان اشتغال، حق مالکیت در خصوص درآمد و دارائی، حق افزایش دارائی از طریق مبادلات و داد و ستد بازرگانی و...، حق بهره برداری و استفاده از درآمد و دارائی بر اساس تمایل و اراده مالک و در نهایت حق ارث بردن و به ارث گذاردن اموال.

آزادی اقتصادی از جانب اسلام مورد پذیرش قرار گرفته و اسلام برای آن در رفتار تولید و مالکیت افراد احترام قائل است تا زمانیکه به سایرین خسارتی وارد نکند و به ارزشهای اسلامی و مصلحت اجتماعی پشت ننماید و مغایر و مخالف با دستورات الهی نباشد. یکی از خصوصیات اسلام از این حیث عبارتست از عدم آزادی شخص در آنچه که با اهداف شریعت اسلام سازگاری و تطابق ندارد. اسلام این خصیصه را به روش‌هایی تبیین کرده است که عبارتند از:

۱- شارع دسته‌ای از امور اقتصادی را برای افراد منع کرده است.

۲- اسلام برای ولی امر اختیاراتی قائل شده است؛ او را ناظر بر اوضاع قرار داده و علاوه بر اجازه مداخله به وی، در موارد زیادی وی را در فعالیت‌های اقتصادی مکلف به مداخله نموده است و بدینوسیله

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قوانین و مقررات داخلی و فقه و اسناد بین‌المللی حقوق بشری نسبت به آزادی اقتصادی شهروندان دارای دیدگاه مثبت هستند. این قواعد در کشورها و مناطق مختلف جهان با داشتن نظام‌های حقوقی متفاوت به صورت متحدالشکل جای خود را یافته‌اند.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم آزادی اقتصادی شهروندان

در مقیاس کلان از منظر اقتصاد سیاسی کلاسیک، منظور از آزادی اقتصادی عبارتست از آزاد بودن در برابر دولت و دخالت‌های آن. این در حالی است که معنی آزادی حقوقی عبارتست از آزادی شخص در برابر سایر اشخاص. یعنی فرد به لحاظ حقوقی و قانونی این اجازه را ندارد که مانع شخص دیگری شده و آزادی‌های وی را محدود نماید. از این رو آزادی اقتصادی، امری حقیقی و تکوینی همچون آزادی فلسفی به شمار نمی‌رود، بلکه گونه‌ای از آزادی حقوقی و اعتباری قلمداد می‌شود که حوزه‌ی کارکردی آن به کارها و فعالیتهای اقتصادی برمی‌گردد. علی‌الاصول مقصود از آزادی اقتصادی «فقدان اجبار و الزام‌های دولتی و یا فقدان محدودیت دشوار دولتی بیش از حد نیاز بر تولید، توزیع و یا خدمات» می‌باشد. (جو هانسون، ۲۰۰۰: ۵۱)

خصوص آزادی اقتصادی شهروندان به بحث پرداخته باشد، موجود نمی‌باشد؛ اما موضوعاتی که نزدیک به موضوع مذکور بود شامل: مقاله تحت عنوان «بررسی تحلیلی تضمینات آزادی اقتصادی در نظام حقوق عمومی ایران (با تاکید بر برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)» نگارش شده توسط کفاش و صادقی در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. در این مقاله نویسندگان به مالکیت به عنوان اصول کلاسیک حقوق اقتصاد عمومی و رابطه آن با تضمین اقتصادی می‌پردازد. در مقاله دیگر تحت عنوان «محدودیت‌های کمی اصل آزادی تجارت در پرتو قوانین و آرای هیات عمومی عدالت اداری» نگارش توسط البرزی و دیگران در سال ۱۴۰۱ می‌باشد که در این مقاله نویسندگان دیوان عدالت اداری را به عنوان یک ناظر بر مصوبات دولتی می‌دانند که از آزادی اقتصادی افراد می‌تواند صیانت کند. لذا با توجه به بررسی‌های صورت گرفته باید گفت که موضوع آزادی اقتصادی شهروندان در حقوق ایران و فقه و اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارای نوآوری است زیرا پژوهشی به صورت جامع، قوانین داخلی و فقه و بین‌المللی را بررسی نکرده است.

۲. مواد و روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

دولت در بازارهای مالی؛ از بین بردن یارانه‌ها و ایجاد توازن در نرخ‌های یارانه‌ای؛ کاستن از کنترل‌های قیمتی و سپردن تعیین قیمت به نیروهای عرضه و تقاضای بازار؛ آزادسازی تجارت خارجی و تعدیل اقسام تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های مقداری؛ تمایل به نظام ارزی شناور؛ آزادسازی نرخ سود پرداختی به سپرده‌های بانکی اشاره نمود.

۲-۵. آزادی اقتصادی شهروندان در حقوق

ایران

اصولاً حقوق بنیادین بشر تعیین کننده سمت و سوی برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظام سیاسی است. چارچوب مداخله دولت، با توجه به حقوق بنیادین بشر تنظیم گردیده و نظم پیدا می‌کند و حقوق مذکور بعضاً دولت را از مداخله در مسائل خاصی منع می‌کند. از طریق مطالعه‌ی جایگاه حقوق بنیادین بشر در نظامات سیاسی و اقتصادی میتوان به محدوده و چارچوب مداخله‌ی دولت دست یافت. در نظاماتی که عملاً حقوق بنیادین بشر مورد احترام قرار داشته و مقصود دولت، ضمانت چنین حقوقی بوده، مداخله‌ی دولت تا آنجا قابل توجیه است که اقتضاء ضمانت حقوق افراد آن را نماید. در حالت نخست، دولت ناقض حقوق افراد است و در مورد دوم این خود افراد می‌باشند که نسبت به حقوق همدیگر تعدی و تجاوز می‌نمایند. لذا باید دولت را تا آنجا توجیه نماییم که اولاً از تجاوز افراد نسبت به حقوق همدیگر پیشگیری به عمل آورده و این امر را به کمک مکانیسمی فراهم نماید که حقوق افراد را نقض نکند. در ثانی چارچوب و محدوده‌ی مداخله دولت را در راستای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظر بگیریم و از سازوکارهای تفکیک قوا، بهبود نظارت قضایی، نظارت بر روی هماهنگی قوانین با قانون اساسی و گسترش اصل حاکمیت قانون از

ولیکن اقتصاددانان معروف هم در رابطه با آزادی اقتصادی دیدگاه‌های متعددی را اظهار داشته‌اند. «آدام اسمیت» به عنوان یکی از اقتصاددانان کلاسیک و از جمله مهمترین تئوری پردازان نظام سرمایه داری مدرن، سطح عملکردی گسترده‌ای را در خصوص مداخله‌ی دولت در امور اقتصادی در نظر نمی‌گیرد و بر این باور بوده که می‌توان رفاه اجتماعی بهینه را به کمک بازارهای رقابتی که در آن منفعت فردی، انگیزه عاملان اقتصادی را تشکیل می‌دهد، به میزان زیادی افزایش داد و همین آزادی افراد در بدست آوردن منافع فردی است که تنظیم‌گر دست نامرئی بازار است. (تفضلی، ۱۳۸۷: ۴۶۰) به عقیده‌ی «فریدریش فون هایک» آزادی شرط لازم جهت محقق گشتن و عملکرد مناسب نظم خودجوش به ویژه در حوزه‌ی اقتصادی یعنی بازار بوده و برنامه ریزی دولتی متمرکز قادر به دستیابی به موفقیت نمی‌باشد. (نمازی، ۱۳۸۴: ۶۶)

«میلتون فریدمن» اهمیت بسیاری در مورد آزادی‌های فردی قائل می‌باشد و به منظور حفظ آن بر این باور است که بایستی مداخلات دولت را محدود و منحصر نمود. وی معتقد است که دولت بایستی وظایفی را عهده‌دار شود که از توان بازار خارج است و اساساً این وظایف شامل اعمال قوانین گوناگون و ایفای نقش میانجیگری می‌باشد. (کلارک، ۱۳۹۵: ۷۸) در واقع می‌توان چنین اظهار داشت که آزادسازی اقتصادی قسمتی از سیاستهای تعدیل ساختاری به شمار می‌رود که در برگزیده‌ی یکسری اقدامات جهت کم کردن دخالت دولت در بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و در نهایت واگذاری آن به مکانیزم بازار است. از جمله مهمترین این اقدامات می‌توان به مواردی از قبیل: پایین آوردن میزان دخالت‌های

شهروندان محسوب شده و اصول کلی حقوقی تصریح شده در عالی‌ترین هنجار نظام حقوقی آن را محترم دانسته و بر اساس اصل نهم هیچ یک از مقامات حق سلب آزادی‌های مجاز را، علیرغم وضع قوانین و مقررات، ندارد. (کفاش و صادقی، ۱۳۹۸: ۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از قانون اساسی مصوب مورخ هجدهم اسفندماه ۱۳۸۶ از جمله عمده‌ترین قوانین کلی در ریل‌گذاری سیاست‌های کلی اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شود که به منظور افزایش و ارتقاء نظم بازار در سیستم اقتصادی با توجه به اهدافی نظیر توسعه رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش مالکیت خصوصی، پایین آوردن بار مالی و مدیریتی دولت به تصویب رسید و از آن تحت عنوان قدمی اساسی در راستای تغییر چهارچوب نهادی حاکم بر اقتصاد کشور یاد می‌شود. بند ۲۱ از ماده ۱ قانون اصلاحی مصوب مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۹ در تعریفی جامع مجوز کسب و کار را به عنوان هر گونه سند مکتوب الکترونیکی یا غیرالکترونیکی قلمداد کرده که جهت آغاز، استمرار، توسعه، انحلال یا بهره‌برداری فعالیت اقتصادی و با عناوین گوناگونی از قبیل اجازه نامه، مجوز، جواز، پروانه، گواهی، نماد و... از طرف نهادهای مربوطه صادر می‌شود.

از جمله الزامات قانونی در رابطه با صادرات و واردات کالا و خدمات، دریافت مجوز به مفهوم عام کلمه است. در رابطه با اقسام کالاهای صادراتی و وارداتی و ضرورت دریافت مجوز سابق، مضمون بندهای ۱، ۲ و ۳ از ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مطابق با بند (ت) از ماده ۱۶۵ قانون امور گمرکی مصوب مورخ ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۰ لغو و بطور مجدد همین محتوا با اعمال کمی تغییر و تحول در بندهای (ع)، (غ) و (ف) ماده ۱۲ از همین قانون اصلاح شده است. به موجب بند (غ) صادرات و

مداخله و نقض حقوق بنیادین بشر بوسیله‌ی دولت ممانعت به عمل آوریم. (چراغی، ۱۳۸۲: ۷۱) آزادسازی حقوق اقتصادی از جمله حقوق بنیادین بشر قلمداد می‌شود. غلبه‌ی تفکر دولت‌گرا در جامعه ایران موجب گردیده که اقدامی مثل غیردولتی نمودن اقتصاد؛ به منزله‌ی مشکلی به شمار آید که می‌بایست توسط دولت و مقررات گذاری دولتی حل گردد. غیردولتی نمودن اقتصاد به مفهوم کاهش وزن نسبی دولت در اقتصاد ملی و جایگزینی آن با بخش خصوصی به منظور ارتقاء عملکرد نظام اقتصادی، فقط آن هنگام قابل دستیابی می‌باشد که نخست آزادسازی به شکلی اساسی انجام شده باشد. (غنی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۸) در ادامه مطالب، به قوانینی که آزادی اقتصادی را تبیین نموده‌اند خواهیم پرداخت.

۵-۲-۱. قانون اساسی و دیگر قوانین

در فصل حقوق ملت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذیل اصل ۲۸ علاوه بر به رسمیت شناختن حق شهروندان در مورد گزینش شغل و محترم پنداشتن حرفه‌هایی که با اسلام، مصالح جمعی و حقوق سایرین مغایرت نداشته نباشد، دولت را مکلف نموده که برای تمام افراد شرایط مناسب جهت اشتغال به کار و امکان برابر جهت احراز مشاغل بوجود آورد. قانونگذار قانون اساسی بر اساس بندهای ۴ و ۲ از اصل ۴۳، ضمن تأکید بر آزادی گزینش شغل و عدم الزام نسبت به انجام کاری مشخص، آن را به منزله‌ی یکی از حقوق شهروندی به رسمیت شناخته و رعایت این آزادی و اختیار را علاوه بر ایجاد شرایط و امکانات کار برای تمام افراد جهت تحقق اشتغال کامل از جمله اصول و مبانی اقتصاد جمهوری اسلامی برشمرده است. از این رو اشتغال به تجارت خارجی و امور صادرات و واردات از جمله مصادیق آزادیهای مشروع

مصرفی و حذف بخشودگی های حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای سرمایه ای و واسطه‌ای نیز مورد اجرا قرار گرفت.

در بند نهم از دومین بخش قانون برنامه دوم توسعه (به تاریخ ۱۳۷۳/۹/۲۰) فعال نمودن اشخاص حقیقی و حقوقی در امر تجارت خارجی زیر نظر دولت، پیشگیری از انحصار و همچنین مبذول داشتن عنایتی ویژه به افزایش صادرات نظیر در نظر گرفتن مشوق های صادراتی از جمله خط-مشی‌های اساسی در برنامه‌ی پنج ساله‌ی دوم دانسته شده است. در بخش سیاست‌های کلی تجارت خارجی بر ایجاد سهولت در شرایط لازم جهت ورود و خروج به حوزه‌ی تجارت و پیشگیری از انحصار، ایجاد سهولت در مراحل ترخیص در صادرات و واردات کالا، چشم‌پوشی از محدودیت‌های گمرکی به استثنای نظارت‌های کیفی و بهداشتی، چشم-پوشی از تشریفات گمرکی و مراحل اداری غیر لازم تصریح شده است. همینطور کنترل‌های مربوط به نوع کالا صرفاً به کالاهای ممنوعه مجاز و قانونی محدود و منحصر است. در قوانین برنامه سوم تا پنجم، سیاستها و خط مشی‌های مشترکی در تجارت خارجی مورد تأکید قرار گرفته است که اهم آنها به شرح زیر عبارتند از:

- سرعت و سهولت در فرآیندهای تجارت خارجی و صدور مجوز
- در نظر گرفتن تسهیلات و مشوق‌های صادراتی
- اجازه داشتن جهت صادر نمودن تمام کالاها و معافیت صادرات نسبت به دریافت مجوز، پرداخت عوارض و مالیات
- منع پیش‌بینی موانع غیر تعرفه‌ای و غیرفنی و موظف نمودن دستگاه‌ها نسبت به حذف آنها
- قانون برطرف‌سازی موانع تولید رقابت‌پذیر و بهبود نظام مالی کشور مصوب مورخ یکم اردیبهشت ماه

واردات کالاهای مشروع نیازمند دریافت موافقت قبلی یک یا چند سازمان دولتی است. در عصر حاضر سرعت، شفافیت و راحتی از جمله اصول اساسی سیستم تجاری بین‌المللی قلمداد می‌شود و می‌طلبد که صدور مجوز هم بصورت صریح، ساده، قابل پیش‌بینی و به دور از هر نوع تبعیض انجام بگیرد در غیر این حالت به مثابه‌ی عامل مختل و محدود کننده‌ی تجارت شناخته می‌شود.

از جمله عمده‌ترین قوانین برنامه توسعه می‌توان به قوانین مادر اشاره نمود که به منظور نظام برنامه-ریزی توسعه و ناشی از تفکرات مبتنی بر لزوم دخالت دولت در امور اقتصادی اجتماعی نخست در جوامع کمونیستی و پس از آن در نظامهای اقتصاد بازار ترویج پیدا کرد. در کشور ما اولین اسناد برنامه‌ای در سال ۱۳۲۵ تحت عنوان برنامه‌های عمرانی توسط مجلس به تصویب رسید. تهیه و تصویب قوانین برنامه توسعه بعد از انقلاب هم از سال ۱۳۶۸ استمرار پیدا کرد. علیرغم وجود نداشتن هیچگونه اتفاق نظری راجع به ماهیت این قوانین ولیکن می‌توان آنها را تلفیقی از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی اجتماعی و همینطور الزامات حقوقی قلمداد نمود. که در تعیین خط مشی و سیاست‌گذاری‌ها دارای جایگاه بسیار مهمی می‌باشند.

در هشتمین بند از بخش سیاست‌های کلی قانون برنامه اول توسعه (به تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۱) به انحصار دولت در تجارت خارجی تأکید گردیده و دولت را مجاز دانسته تا این حق انحصاری را صرفنظر از واردات کالاهای پر مصرف و راهبردی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واقع در بخش خصوصی یا تعاونی اعطا نماید. همینطور با هدف مورد حمایت قرار دادن تولید صنایع داخلی، سیاست منع تدریجی واردات کالاهای صنعتی

دادن عوارض یا مالیات گردیده‌اند. (براساس قوانین نگارش شده است).

۵-۲-۲. قوانین خاص

از جمله مهمترین قوانین این حوزه می‌توان به قانون مقررات صادرات و واردات کالا مصوب مورخ ۴ مهرماه ۱۳۷۲ اشاره نمود. به موجب ماده ۳ از این قانون اقدام کردن نسبت به صادرات و واردات به شکلی تجاری نیازمند برخورداری از کارت بازرگانی می‌باشد. قانونگذار ذیل بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۲ از این قانون اقسام صادراتی و وارداتی را در سه گروه مجاز، مشروط و ممنوع دسته‌بندی نموده‌اند و مبتنی بر این، واردات و صادرات کالاهای مجاز، صرفنظر از لزوم مجوز و در مورد کالاهای مشروط، با دریافت مجوز ممکن می‌باشد. بعلاوه انحصار کالاهایی هم که بر اساس دین اسلام و یا قانون ممنوع اعلام گردد در زمره ممنوعیات صادرات و واردات پیش بینی خواهد شد. همینطور در تبصره ۱ از ماده مذکور، دولت مجاز دانسته شده که بنا بر مقتضیات و شرایط ویژه‌ی زمانی نسبت به منع واردات یا صادرات بعضی از کالاها مبادرت ورزد. علی‌الاصول دسته‌بندی کالاها به کالاهای مجاز و ممنوع یا مشروط و غیر مشروط بویژه اینکه به طور کلی غیر صریح و به اختیار قانونگذار یا دولت باشد می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن آزادی تجارت شهروندان و به منزله‌ی یکی از محدودیتهای کمی محسوب شود. (البرزی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵)

بر اساس تبصره ۱ از ماده ۸ موافقت با واردات کالا به مثابه‌ی مجوز ترخیص تلقی شده و واردکنندگان دولتی و غیردولتی نسبت به دریافت مجوزی جداگانه معاف گردیده‌اند. در جهت سیاستهای مبتنی بر تشویق و توسعه‌ی صادرات، مواد ۱۳ و ۱۸ از این قانون تمام اقلام صادراتی به جز نفت

با دیدگاه حمایت و تشویق فعالان اقتصادی غیر دولتی تنظیم گردیده و معافیت‌ها، مشوق‌ها و مزایایی از قبیل معافیت‌های مالیاتی به شکل هدفمند در خصوص فعالیت‌های اقتصادی مولد بخش رسمی مورد پیش بینی قرار گرفته است. ماده ۳۷ در راستای تشویق فعالان اقتصادی نسبت به تولید و صدور کالا و خدمات، در نظر گرفتن هر نوع عوارضی بر صادرات کالا و خدمات غیر یارانه‌ای و مواد خام منع نموده و در ماده ۳۸ تسهیلاتی در خصوص واحدهای تولیدی در تشریفات گمرکی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که از جمله اهم آنها می‌توان سرعت و سهولت در فرآیند ثبت سفارش، امکان ترخیص کالا با تضمینات اولیه، حداقل بودن اسناد و عدم لزوم دریافت مجوز مجدد از سازمان ملی استاندارد را مورد اشاره قرار داد.

بر اساس ماده ۵۷ و به منظور اصلاح موادی از قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴، هیات مقررات زدایی و بهبود فضای کسب و کار موظف به سرعت و سهولت در صادر نمودن مجوزها حتی‌الامکان بطور آنی و غیرحضور و همینطور کاستن از میزان هزینه‌های مربوطه گردیده است.

ذیل ماده ۲۲ از قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب مورد ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۵ الحاقی به ماده ۶۶ از قانون امور گمرکی، برقراری موانع غیر تعرفه‌ای و غیر فنی برای واردات به استثنای موارد مخالف با اصول و موازین شرعی ممنوع اعلام گردیده است. به موجب ماده ۲۳ صدور تمام کالاها به غیر از اشیا عتیقه و میراث فرهنگی و همینطور اقلام خاص نباتی، دامی و ... مجاز می‌باشد و پیشگیری از صدور هر نوع کالا با هدف تنظیم بازار داخلی ممنوع است. همینطور صادرات کالاهای مشروع و غیر یارانه‌ای معاف از

صادرات و واردات فقط اتکا بر ممنوعیت در شرع کفایت نمی‌کند.

صلاحیت مقررہ گذاری از جمله عمده‌ترین ابزارهای کاربردی دولتها جهت تنظیم و تنسيق امور و تعیین اوضاع و جزئیات حوزه‌های تحت امرشان محسوب می‌شود که ذیل اصل ۱۳۸ از قانون اساسی جمهوری اسلامی هم مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. بخشنامه های گمرکی از جمله اساسی‌ترین مقررات حوزه صادرات و واردات قلمداد می‌شوند و کثرت نهادهای متولی در این حوزه سبب صدور بخشنامه های فراوان و گاهاً متناقض شده است. کثرت و فراوانی دستگاه های مربوط به حوزه‌ی تجارت خارجی و داشتن صلاحیت جهت مقررات گذاری به خودی خود موجب پیچیده‌تر شدن فرآیندهای صدور و ورود خواهد شد و می‌تواند با بوجود آوردن چالش برای فعالان حوزه‌ی اقتصادی و تجاری آزادی تجارت شهروندان را تهدید نماید.

بند ۴ از مصوبات نهمین اجلاس شورای عالی هماهنگی اقتصادی در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۳۹۷ به منظور تنظیم و تنسيق بازار کالا و خدمات که از جانب مقام معظم رهبری هم مورد تأیید قرار گرفته است، با وجود ممنوعیت مندرج در بند الف از ماده ۲۳ قانون احکام دائمی توسعه، به وزیر صنعت معدن و تجارت اجازه داده شده که در راستای پیشگیری از کاهش عرضه و صعود نرخ اقلام در بازار داخلی در قالب شیوه‌نامه‌ای که توسط رئیس جمهور تأیید خواهد شد، صدور بعضی از کالاها را در شرایط اضطراری، برای مدت زمان مشخصی، مشروط یا ممنوع کند.

با توجه به عمده‌ترین قوانین مربوطه چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که مقنن در راه گسترش تجارت خارجی، آسان‌سازی فرآیندهای صدور مجوز و

خام و فراورده های پایین دستی را نسبت به هرگونه تعهد یا پیمان ارزی معاف دانسته و وضع یا اخذ هر نوع عوارض از کالاهای صادراتی را به مثابه‌ی تخلف و قابل پیگرد تلقی نموده است.

دومین قانون ویژه‌ای که به تجارت خارجی اختصاص دارد عبارتست از قانون امور گمرکی مصوب مورخ ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۹۰. بندهای (ع)، (غ) و (ف) ماده ۱ از قانون مذکور در رابطه با تشریح اصطلاحات گمرکی، اقلام صادراتی و وارداتی را در سه گروه عمده‌ی مجاز، مجاز مشروط و ممنوع قرار داده و به صورت زیر اقدام به تعریف آنها نموده است:

ع- کالاهای مجاز: به کالاهایی اطلاق می‌شود که صادرات و واردات آنها ضمن رعایت ضوابط و قوانین مستلزم اخذ مجوز نمی‌باشد.

غ- کالاهای مجاز مشروط: به کالایی اطلاق می‌شود که صادرات و واردات آنها مستلزم اخذ موافقت قبلی یک یا چند سازمان دولتی است.

ف- کالاهای ممنوع: به کالاهایی اطلاق می‌شود که صادرات و واردات آنها به موجب مصالح ملی یا دین مبین اسلام مطابق با قانون ممنوعیت دارد.

تمایز این ماده با ماده ۲ از قانون مقررات صادرات و واردات در تعریف کالای ممنوع آشکار می‌گردد و گویای دو نکته است؛ یکی اینکه گذشته از دین اسلام و قانون، ملاک دیگری نیز به منظور منع صادرات و واردات کالا بوجود آمده است که عبارتست از مصالح ملی؛ مفهومی کلی و قابل تفسیر که احتمال اعمال سلیقه و گاهاً تبعیض را توسعه می‌بخشد و حاصلی غیر از تحدید آزادی‌های تجاری شهروندان در پی ندارد. دیگر آنکه فحوای این ماده بیانگر آنست که ایجاد ممنوعیت در صادرات یا واردات کالا الزاماً و صرفاً مطابق با قانون خواهد بود و برعکس ماده ۲ از قانون مقررات

از بطن تعالیم اسلامی اقتباس موارد زیر امکان‌پذیر است: (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۵۸۰)

الف) مال و ثروت از منظر اسلام یک ودیعه الهی بوده و خداوند باریتعالی بطور مطلق به عنوان مالک اصلی آن معرفی گردیده است. از سوی دیگر انسان از جانب خداوند متعال به عنوان خلیفه در زمین انتخاب شده است تا زمین را آباد نموده و از مواهب طبیعی آن منتفع گردد. (مومن، ۱۶۲/ بقره ۲۵۵)

ب) تمام انسان‌ها در حق انتفاع و بهره‌برداری از مواهب طبیعی برابر می‌باشند؛ چرا که همگی آفریده‌ی خداوند هستند و هیچ کس بر دیگری به جز به شرط تقوی برتر نخواهد بود. (شیخ صدوق، ج ۳: ۲۳۹)

ج) تمام انسانها در حق دستیابی به بسترهای مناسب جهت کار و شرایط فعالیت‌های اقتصادی مساوی هستند و همه انسانها به کار و تلاش دعوت گردیده‌اند (نساء، ۳۲) و امام صادق (ع) از حضرت محمد نقل کرده‌اند که: احترام مال مؤمن همچون احترام خون وی قلمداد شده است (کلینی، ج ۲: ۲۳۰)

د) هر چیزی که موجب آسیب رسیدن به شخص یا اجتماع شود و یا برای روح، جسم، عقل، عواطف، شخصیت، آزادی و آینده انسان مخاطره‌آمیز باشد، تحریم گردیده است؛ چرا که مهمترین محور از منظر دین اسلام، انسان بوده و نه اقتصاد و مال و ثروت. (کلینی، ج ۵: ۲۳۳)

ه) تمام بشریت به انفاق و بذل و بخشش و رسیدگی به امور افراد از کار افتاده و بینوا، به منزله-ی یک تکلیف الهی، انسانی، اخلاقی دعوت شده‌اند و افرادی که در این راستا قدم برندارند، مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته‌اند. (یس، ۴۷)

تشریفات گمرکی و همینطور برطرف‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای قدم برداشته و در خصوص تهیه و تنظیم قوانین همواره پیرو سیاست‌های اقتصادی معطوف به صادرات و جانشینی واردات بوده است. از این رو صادرکنندگان به دنبال ایجاد امتیازات، مشوق‌ها، تسهیلات و معافیت‌های صادراتی بیشتر از واردکنندگان مشمول حمایت‌های قانونگذار واقع شده‌اند. با وجود عملکرد نسبتاً قابل قبول مقنن، دولت‌ها با تجویز مقررات فراوان، مستمر و گاهی اوقات متناقض، بطور مکرر بر فعالان تجارت خارجی ایجاد محدودیت یا ممنوعیت نموده و همین مسئله سبب گردیده تا از دیدگاه بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد شاخص مطلوبیت گمرکی و تسهیل تجارت ایران با چالش‌ها و موانع اساسی مواجه گردد. (براساس نظر نگارنده)

۵-۳. آزادی اقتصادی شهروندان از نظر فقهی

منظور از این آزادی در اسلام، شامل انتخاب نوع شغل، بر خورداری از حق اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، مدت و زمان و محل اشتغال، حق مصرف و استفاده از درآمد و دارایی بر اساس تمایل و اراده مالک، حق اضافه کردن دارایی از طریق انجام مبادلات و داد و ستد بازرگانی و در نهایت حق ارث‌بردن و به ارث‌گذاشتن اموال می‌باشد. شاید موفق گشت که میان اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی تمایزی اساسی ملاحظه نمود (هر چند که این دو اصطلاح معمولاً در عوض یکدیگر نیز قابل استفاده هستند): اقتصاد آزاد؛ به معنی اقتصاد بدون حاکمیت و دخالت دولت، مذهب و اخلاق و هر قدرت غالب و کنترل‌کننده‌ای است؛ ولیکن آزادی اقتصادی به مفهوم وجود حق تملک، حق افزودن بر مال و حق بهره-برداری از آن می‌باشد.

گفت که با امان نظر به قاعده‌ی مزبور، در اسلام ضرر فاقد مشروعیت است؛ به عبارت دیگر هم حکم ضرری در اسلام وضع نمی‌گردد و هم آنکه عملاً هیچکس نباید به دیگری خسارتی ایراد کند.

(محقق داماد، ج ۱، ۱۴۰۴: ۱۵۰)

مطلبی که بعضی فقها در مورد قاعده‌ی اخیرالذکر مطرح کرده‌اند آنست که قاعده‌ی مذکور صرفاً در مورد حق الناس می‌باشد و محدوده سلطنت مالکین و ارباب حقوق را در مورد همدیگر مشخص می‌نماید؛ یعنی سلطه مالکی منحصر به حدی می‌باشد که سایر مالکین یا صاحبان حقوق از چنین سلطه‌ای متضرر نگردند (شیرازی، ج ۱۷، ۱۴۱۷: ۳۰۱۰) و بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که قاعده‌ی مزبور صرفاً با قاعده تسلیط در تعارض خواهد بود و بعضاً حوزه‌ی آن را محدودتر می‌کند. بطور کلی می‌توان قاعده لاضرر را یکی از عموماً قلمداد کرد که نگاه خاصی نسبت به حفظ آزادی اقتصادی افراد از تعرض سایرین برخوردار است. به موجب اصل ۴۰ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۵-۳-۲. قاعده احترام مال و کار مسلم

یکی از قواعد کلیدی، پرکاربرد و عام در حوزه مسائل اقتصاد اسلامی، قاعده احترام است. مقصود از این قاعده، این است که مال مسلمان و نیز ثمره کار او باید از تصرف مجانی و تعدی مصون باشد. (محقق داماد، ج ۱، ۱۴۰۴: ۲۱۳؛ موسوی

بجنوردی، ج ۲، ۱۴۱۷: ۸۲؛ مصطفوی، ۱۴۱۹: ۲۴)

از رسول الله (ص) روایت است که حرمت مال مسلم مانند حرمت خون او است و این نشان می‌دهد که بعد از امنیت جانی، امنیت مالی مسلمان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. تفاوت قاعده احترام با قاعده

ح) در نظام اقتصادی اسلامی صرفاً درآمد و مالکیتی مورد تأیید است که از طرق مجاز و قانونی کسب شده باشد و نه اینکه از هر راهی نظیر شراب فروشی، ربا، فریب، سرقت بیت‌المال، احتکار، تقلب، خیانت، قمار، دزدی، خود فروشی و امثالهم بدست آمده باشد که شرح موارد مذکور در این مقال نمی‌گنجد.

بدینوسیله از کلیه احکام و قوانین اسلام در رابطه با آزادی‌های اقتصادی، نتایج زیر قابل استنباط است:

۱- آزادی‌های اقتصادی که در زمره‌ی اصول و مبانی مسلم نظام اقتصادی اسلامی به شمار می‌رود همچون نظام سرمایه‌داری نامحدود نبوده، بلکه دارای حدود و ثغور است.

۲- محدودیت‌های مذکور بر مبنای مصالح و مفاسدی که مد نظر قرار گرفته، ایجاد شده است و پایه و اساس آن به جهان بینی اسلامی برمی‌گردد. ۳- اختلاط و پیوند احکام و مقررات اقتصادی اسلام با معتقدات دینی موجب گردیده که احکام مزبور به دور از هر نوع زور و اجباری، بستر مناسب جهت بروز و ظهور پیدا کرده و با کمال میل و رغبت صورت پذیرند.

۴- با توجه به وجود چنین پیوند و اختلاطی بین مباحث اعتقادی و اقتصادی، نظام اسلامی به راحتی قادر است که از بروز تضاد طبقاتی ممانعت به عمل آورده و اجتماع را در شرایطی مطلوب و مناسب حفظ کند. (نمازی، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۴)

در همین راستا محدوده آزادی اقتصادی شهروندان را می‌توان در پرتو قواعد فقهی تحلیل نمود. این قوانین شامل:

۵-۳-۱. قاعده لاضرر:

در رابطه با مفهوم قاعده‌ی مذکور تشتت آراء زیادی مطرح است ولیکن بطور اجمالی می‌توان

(خوانساری، ج ۳، ۱۴۰۳: ۴۰۷) و همچنین است در صورت فساد مضاربه و جهل عامل به آن. (موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۴۱۷: ۱۱۴-۱۱۳)

- در صورت بطلان اجاره، مستأجر ضامن اجرت- المثل است به خاطر قاعده احترام. (موسوی خوئی، ۱۴۰۹: ۱۴۷) محقق حلی در شرائع می‌گوید: «در هر جا که عقد اجاره فاسد است، چنانچه کلاً یا جزئاً استیفای منفعت شده باشد، اجرت‌المثل واجب می‌شود، خواه از اجرت‌المسمی زیادتر باشد و خواه کمتر» صاحب جواهر در شرح این عبارت می‌گوید: «در این مسئله، قول مخالفی نیافتیم و گویی فقها این موضوع را جزء مسلمات دانسته‌اند و جزء قطعیات است. (نجفی، ج ۲۶، ۱۴۰۲: ۱۷۳)

- آیه الله مکارم شیرازی در کتاب البیع و در ضمن بیان قاعده «مابضمن بصحیحه یضمن بفاسده» نخستین علت این قاعده را، قاعده احترام قلمداد کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۳: ۱۴۵؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۴۰۹: ۲۱۸) همینطور از نظر ایشان قاعده احترام نیز یکی از ادله قوی قاعده ید است (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۴۰۹: ۲۳۴)

- فقهای بسیاری ضمان منافع مستوفات را هم به قاعده احترام مستند نموده‌اند. (محقق داماد، ج ۱، ۱۴۰۴: ۲۱۶)

با امعان نظر به این مستندات، می‌توان چنین اظهار داشت که قاعده احترام یکی از مستقلات عقلی به شمار می‌رود که از جانب شارع مقدس مورد تأیید واقع شده و خیلی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی بر مبنای آن قرار گرفته است به نحوی که می‌توان مدعی شد صرفنظر از وجود این قاعده، قواعد و گزاره‌های فقهی زیادی بی سند و دلیل باقی خواهند ماند. در این باره قانون اساسی جمهوری اسلامی کشورمان، ذیل اصل ۲۲ اشعار

اتلاف در این است که قاعده احترام، وظیفه مکلفین را قبل از تصرف بیان می‌کند و قاعده اتلاف وظیفه بعد از تصرف عدوانی را بیان می‌کند؛ اما برخی فقها متذکر این نکته نیز شده‌اند که احترام مال مسلمان از دو جنبه است؛ یکی از این جهت است که متعلق این مال، فرد محترم است و دیگر از این جهت که خود مال، محترم است و لذا نباید هدر رود. (مصطفوی، ۱۴۱۹: ۲۵) اما برخی دیگر از محققین، احترام آن را فقط به خاطر مضاف‌الیه آن (مسلم) می‌دانند.

فقها در بیان مشروعیت این قاعده به سیره متشرعه (مصطفوی، ۱۴۱۹: ۲۴) اجماع فقها بر آن (مصطفوی، ۱۴۱۹: ۲۵) و نیز برخی روایات استناد کرده‌اند و برخی فتوای خود را نیز مستند به این قاعده آورده‌اند که موارد زیر از جمله آنها است:

- مرحوم صاحب جواهر اصل عدم تبرع را با قاعده احترام توجیه کرده است.

- در دعوی بین هبه یا بیع بودن، علامه طباطبایی در تکمله عروه الوثقی بیان داشته‌اند که مقتضای قاعده احترام این است که کسی که قائل به هبه بودن است مدعی محسوب می‌شود. (موسوی خوئی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۱۷۳)

- در جایی که اذن در تصرف داده شده و دعوا بر سر مجانی یا معوض بودن آن است نیز برخی فقها این قاعده را جاری دانسته‌اند. (طباطبایی، ج ۲، ۱۴۱۴: ۱۷۳)

- برخی دیگر نیز جواز اخذ اجرت از سوی قاضی را با این قاعده توجیه کرده‌اند. (عراقی، ۱۴۱۸: ۹۲)

- با توجه به جایز بودن عقد مضاربه، در صورت بر هم خوردن عقد، عامل بر اساس قاعده احترام، مستحق اجرت‌المثل عملش می‌باشد

داماد، ج ۱، ۱۴۰۴: ۲۵) قاعده‌ی مذکور بدین معنی می‌باشد که تصرف مالک گونه فرد در یک مال با شرایطی حاکی از مالکیت متصرف نسبت به مال مزبور بوده آلا در صورتیکه عکس آن اثبات گردد. (هاشمی شاهرودی و همکاران، ج ۲: ۱۳۸۲: ۵۰۳) وجه ناظر بر امنیت اقتصادی قاعده مزبور آنست که مالک بودن شخص متصرف یک مال را اصل قرار داده و وی را از اثبات مالکیت خود بر اموالی که در اختیار وی می‌باشد بی‌نیاز می‌نماید.

در مقام اهمیت این قاعده همین کافی است که در روایت مستند این قاعده، حضرت جعفر صادق (ع) می‌فرمایند در صورتیکه چنین قاعده‌ای وجود نداشته باشد بازار مسلمانان پابرجا باقی نخواهد ماند و در نظام اقتصادی و بازرگانی جامعه اختلال بوجود می‌آید.

می‌توان قاعده ید را از جمله جلوه‌های اصل براءت محسوب کرد که اصل ۳۷ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بر آن تصریح ورزیده است.

۵-۳-۶. قاعده اللزوم

به موجب قاعده‌ی مذکور، در تمام عقود شامل تملیکی و عهده‌ی اصل بر لازم بودن آنها می‌باشد. (محقق داماد، ج ۲، ۱۴۰۴: ۱۵۹) علت قید این قاعده در قواعدی که دال بر منع تعدی به حقوق اقتصادی افراد است آنست که اگر اینگونه اصل و قاعده‌ای وجود نداشته باشد و به دیگر سخن اصل بر جواز عقود باشد موجب می‌گردد که خیلی از قراردادهای منعقد شده بین افراد و حقوق مکتسبه آنان در معرض فسخ و رجوع واقع شود و اشخاص هیچ اعتمادی در خصوص اموال و حقوقی که به موجب عقود دریافت می‌نمایند نداشته باشند و هر آن انتظار رجوع و تعدی مالک پیشین، پیش روی آنها باشد.

می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

۵-۳-۳. قاعده کلما بطل العقد یتحقق اجره

المثل

قاعده‌ی مذکور که در حقیقت از جمله تجلیات قاعده احترام محسوب می‌شود بدین مفهوم بوده که اگر باطل بودن عقدی از اول مشخص گردد لیکن طرفین با امعان نظر به مضمون آن اقدامی صورت داده باشند، استحقاق دریافت اجرت‌المثل آن را خواهند داشت. مثلاً چنانچه عقودی مثل اجاره، جعاله، مضاربه و امثالهم به هر علتی باطل گردند، هر کدام از طرفین که تا پیش از کشف ابطال عقد از مال یا کار دیگری بهره‌مند شده می‌بایست به همان اندازه هزینه آن را هم پرداخت کند زیرا هم مال و هم کار مسلمان قابل احترام است و نمی‌توان از کوشش‌های او به بهانه ابطال عقد و اجره المسمی چشم‌پوشی کرد.

۵-۳-۴. قاعده وجوب التخلیه بین المال و

مالک

قاعده‌ی مذکور نیز که از لحاظی به قاعده احترام برمی‌گردد بدین مفهوم است که چنانچه کسی به هر صورت بر مال فرد دیگری بی‌اجازه و خواست و رضایت وی مسلط گردد از تصرف در آن پرهیز و از آن رفع ید کند تا بدینوسیله مالک قادر به تصرف مالکانه در مال خویش شود. (مصطفوی، ۱۴۱۹: ۳۰۳)

۵-۳-۵. قاعده ید (قاعده سماع قول ذی

الید)

این قاعده از جمله قواعد مشهور فقهی می‌باشد که در بیشتر مسائل فقهی و حقوقی به طور گسترده‌ای مورد استناد واقع می‌شود و محور شمار زیادی از معاملات روزمره می‌باشد. (محقق

۴-۵. آزادی اقتصادی شهروندان در اسناد

بین‌المللی

آزادی از جمله عمده‌ترین حقوق اساسی و بنیادین انسان قلمداد می‌شود. این لغت بعضاً بقدری سهل و مشخص بوده که هیچ لزومی به ارائه‌ی تعریف و توصیفی از آن وجود ندارد و برخی اوقات نیز به اندازه‌ای سخت و ممتنع می‌باشد که به تفسیری موسّع نیازمند است. با این همه، تعریف این لغت در طول زمان و با وجود دگردیسی‌های بشریت، تفکرات و آرمانها و اهداف وی دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده و صاحب‌نظران، تئوری‌پردازان و همینطور مکاتب اسلامی و غربی با امعان نظر به اوضاع و احوال جامعه بشری خود تعبیر و تعاریف گوناگونی در مورد آن پیشنهاد کرده‌اند. با توجه به مطالعات انجام شده مشخص می‌شود که در همه‌ی جوامع، آزادی به عنوان حق مسلم جامعه بشریت پذیرفته شده است و همینطور از آن به عنوان امری مطلق تلقی نمی‌شود و درمورد آن محدودیتهای قانونی پیش‌بینی شده است؛ زیرا گذشته از وضع چنین محدودیتی در شریعت اسلام، در دیگر کشورهای غیر اسلامی یا همان کشورهای غربی منظور در پژوهش حاضر هم در یک دید کلان در رابطه با اقسام آزادی‌ها (به غیر از آزادی عقیده، منع بردگی و منع شکنجه) بر این باورند که نیاپستی چنین فرض کرد که این مورد (آزادی) در زمره‌ی حقوق بشر محسوب می‌شود؛ از این رو بصورت مطلق بوده و جای هیچ قید و شرطی وجود ندارد. (همتی، ۱۳۸۶: ۸۳)

۴-۵-۱. منشور جهانی حقوق بشر

از جمله آزادی اقتصادی شهروندان قید شده در اسناد بین‌المللی عبارتست از حق مالکیت موضوع ماده ۱۷ منشور جهانی حقوق بشر. به منظور اجرای حق مالکیت و استفاده‌ی حقیقی افراد از حق

مذکور، هر کسی می‌بایست از حداقل معینی از اموال که به منظور ادامه‌ی زندگی همراه با عزت الزامی بوده، برخوردار باشد. با این تفاسیر، قبول اصل حق مالکیت انسان بر قسمتی از منابع موجود در طبیعت و همینطور بر فعالیتهای خویش می‌باشد. تحریم افراد نسبت به این حق به مفهوم انکار استقلال و آزادی فعالیت اقتصادی بوده و از این رو دولت‌ها بایستی حق مالکیت را به مثابه‌ی حق اساسی و همگانی شهروندان به نظام حقوقی داخلی خویش وارد نمایند، اما این حق، حقی مطلق به شمار نمی‌رود. تئوری عدالت صرفاً ناظر بر بعد یا مقتضیات فردی نبوده بلکه دارای ابعادی جمعی و اجتماعی هم هست که اقتضای دیگری را طلب می‌کند و آن عبارتست از مداخله‌ی دولت در بازتوزیع ثروت. همچنین رولز معتقد است که بخش تخصیص دولت می‌تواند در جهت اصلاح کارایی نامطلوب حاصل از ناتوانی نرخ‌های بازار آزاد در سنجش منافع و هزینه‌های اجتماعی، از مالیاتها و یارانه‌های مناسب بهره جسته و یا در حوزه‌ی حقوق مالکیت بازبینی به عمل آورد. بخش توزیعی دولت هم می‌بایست به منظور تهیه کالاهای عمومی، درآمد خویش را بوسیله‌ی اجرای طرح‌های مالیاتی بالا ببرد. (همتی، ۱۳۸۶: ۸۲)

۴-۵-۲. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶

میثاق اخیرالذکر با قید جزئیاتی افزون‌تر و همینطور ضمن مراعات عدالت اقتصادی نسبت به تشریح حقوق و آزادی‌های شهروندان در خصوص اشتغال و امور اقتصادی اقدام نموده است. بوجود آوردن فرصتهای شغلی مساوی صرف نظر از توجه به سایر ملاحظات به استثنای طول زمان خدمت و برخورداری از لیاقت ذیل ماده هفتم تعیین گردیده است.

۶. نتیجه گیری

در حقیقت آزادی اقتصادی در زمره‌ی آن گروه از آزادی‌هایی محسوب می‌شود که تأمین آن مستلزم سطحی از مداخله‌ی دولت بوده و به منظور انتفاع مردم از آزادی اقتصادی، به در نظر گرفتن بستری جهت فراهم نمودن زمینه‌های مناسب از طرف دولت نیاز است. به دیگر سخن به رسمیت شناختن چنین آزادی از سوی دولت شرط لازم بوده ولی کافی نمی‌باشد، بلکه دولت می‌بایست با پیش‌بینی تمهیداتی، تضمینات مورد نیاز را به منظور بهره‌گیری همه‌ی مردم از این آزادی ایجاد نماید.

در این پژوهش آزادی اقتصادی از نظر فقهی، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد تحلیل قرار گرفت. در پاسخ به سوالات مطرح شده باید گفت آزادی اقتصادی از نظر فقهی، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است، بدین صورت که در فقه حق انتخاب شغل و برخورداری از حق اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، مدت زمان و محل اشتغال، حق مصرف و استفاده از درآمد و دارایی براساس تمایل و اراده مالک، حق اضافه کردن دارایی از طریق انجام معاملات و دادوستد بیان شده است. این موضوع نشان‌دهنده پذیرش فقهی آزادی اقتصادی می‌باشد، زیرا در روایات و کتاب به موارد مذکور اشاره شده است. از نظر حقوق ایران نیز آزادی اقتصادی پذیرش شده است و مستند آن قوانین و مقررات می‌باشد. در راس این قوانین، قانون اساسی به موضوع آزادی اقتصادی بنا به اصل ۲۸ و ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی پرداخته است. قوانین عادی و خاص نیز شامل قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی، قوانین برنامه توسعه و سیاست‌های کلی حاکمی از برنامه‌های توسعه آزادی اقتصادی شهروندان را امری قانونی تلقی کرده‌اند.

حقوق و آزادی‌های مربوط به کار ذیل مواد ۶، ۷ و ۸ میثاق مذکور، طیف گسترده‌ای از حقوق نظیر آزادی کار، لغو بردگی، لغو کار اجباری و حق برخورداری از شغل را شامل می‌شود. همینطور برخورداری از فرصت یکسان جهت بهبود، استراحت، تفریح و تعطیلات ضمن اخذ حقوق در زمره‌ی مقتضای حداکثری تئوری عدالت می‌باشد. حقوق مربوط به ایجاد و تاسیس اتحادیه و سندیکای صنفی از حقوق مربوط به کار موضوع ماده ۸ میثاق مذکور اقتباس گردیده است. هر کس بدینوسیله می‌تواند تصمیم شخصی خویش دال بر عضویت در گروه خاصی را عملی نماید. بنابراین، می‌توان چنین اظهار داشت که این حق مصداق بارزی از حق ایجاد و پیوستن به اجتماعات و انجمن‌ها بوده که بدون تردید حاکی از اراده آزاد انسانها می‌باشد. حق اعتصاب نیز از جمله حقوق مورد قبول در میثاق مذکور، هم به منزله‌ی یک حق اجتماعی و اقتصادی و هم به عنوان راهی جهت دستیابی به عدالت مدنظر قرار گرفته است. (عسکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۲۰).

از دیدگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشری آزادی اقتصادی در اسناد مشنور جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه می‌گیریم که اسناد مذکور حق آزادی اقتصادی شهروندان را مورد پذیرش قرار دادند و در پاسخ به سوال دوم باید گفت این حقوق برای همه افراد یکسان است اما بر اساس قاعده لاضرر، قاعده قاعده احترام مال و کار مسلم، قاعده کلمای بطل العقد یتحقق اجره المثل، قاعده وجوب التخلیه بین المال و مالک، قاعده ید (قاعده سماع قول ذی‌الید) و قاعده اللزوم نمی‌توان دامنه آن را نامحدود تعیین کرد بلکه این آزادی اقتصادی شهروندان تا جایی است که به حقوق دیگران خدشه دارد نسازد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم
- البرزی، زهرا، امامی، محمد، واعظی، سید مجتبی، محدودیت‌های کمی اصل آزادی تجارت در پرتو قوانین و آرای هیات عمومی عدالت اداری، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۹، شماره ۲۲، ۱۴۰۱.
- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات، ۱۳۷۵.
- چراغی، ولی الله، حقوق بنیادین بشر و مکانیزم‌های تضمین آن در نظام حقوق عمومی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- خوانساری، سید احمدبن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۳ق.
- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، حدیث ۲.
- شبیری زنجانی، سیدموسی، کتاب ازدواج. قم: پژوهشکده رای پرداز، ۱۳۸۳.
- عراقی، آقا ضیاءالدین، کتاب قوه قضائیه (تشورات نجم‌آبادی). قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ق.
- عسکری، علیرضا، فرخی، منصور، روستایی حسین آبادی، یاسر، بررسی گستره تعهدات دولت‌ها در اجرا نمودن حقوق اقتصادی- اجتماعی شهروندان در رویکرد قانونگذار اساسی ایران و اندیشه لیبرال، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره نهم، ۱۴۰۱.
- غنی نژاد، موسی، آزادسازی و عملکرد اقتصادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تکمله عرواح الوثقا. قم، مکتبه الداوری، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- کفاش، ملیکا، صادقی، محمد، بررسی تحلیلی تضمینات آزادی اقتصادی در نظام حقوق عمومی ایران (با تاکید بر برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۲۴، شماره ۹۳، ۱۳۹۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، باب ۶.
- کلارک، باری، اقتصاد سیاسی تطبیقی، عباس حاتمی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقها - کتاب بیع. قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۴۲۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، الغوائد الفقهیه (حکم فقهی). قم، مدرسه امام علی (ع)، ۱۴۰۹ق.
- محقق داماد یزدی، سید مصطفی، قواعد فقهی تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- مصطفوی، سید محمدکاظم، صد قاعده فقهی. قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
- موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، قاعده فقهی (القواعد الفقهیه). قم، نشر هادی، ۱۴۱۷ق.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، فقه شیعه (شرایط سید مهدی موسوی خلخالی). قم، نشر نوظهور، ۱۴۱۹ق.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
- نمازی، حسین، نظامهای اقتصادی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران، دایره المعارف فقه بر اساس مذهب اهل بیت (ع). قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر اساس دین اهل بیت (ع)، ۱۳۸۲.

- همتی، مجتبی، حق‌های اقتصادی - اجتماع و نسبت آن با حقوق شهروندی در پرتو نظریه عدالت رولز، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.
- Johanson, Pobert, Economic freedom & economic growth, Egan West Publishing (200).

